

بلابارتوک (Belabartok)، (۱۸۸۱-۱۹۴۵) متولد مجارستان، نوازنده چیره دست و توانای پیانو که آهنگسازی چون باخ، بتهوون و فرانس لیست بیشترین نفوذ خود را بر روی آثار وی داشتند.<sup>۱</sup>

نخستین اثر برجسته وی پوئم سمفونیک کوسوت (Kossuth) است<sup>۲</sup>، که به رهبری هانس ریشتر در منچستر (۱۹۰۳ میلادی) اجرا گردید.

بارتوک موسیقی دهقانان مجار (Folk song) را به عنوان نمونه ای واقعی از هنر متعالی کشف نمود و بیش از هشت هزار ملودی محلی اسلاو، اکراین، رومانی، اسلواک، صرب، بلغار، ترک و عرب را نسخه برداری و ثبت کرده است.<sup>۳</sup> او در سال ۱۹۰۷ میلادی بعنوان استاد پیانو در آکادمی سلطنتی موسیقی بوداپست مشغول به کار گردید. قطعه ی ریش آبی (۱۹۱۱ میلادی)، تنها اپرای بارتوک، که با تصنیف آن بعنوان یک آهنگساز برجسته و جهانی شهرت یافت؛ در تک پرده با دو نقش و کاراکتر عمده ی آوازی و ارکستر بزرگ. لیبرتوی اپرا با همکاری خود بارتوک توسط «بلابالاش»، (۱۸۸۴-۱۹۴۸) شاعر بنیان گرای مجار فراهم آمده است.

در زمان حمله ی نازیهای آلمان، ناگزیر به ترک وطن گردید و بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا با کشتی به طرف نیویورک حرکت کرد.

امروزه نوازندگان جوان با چهل و دو دوئت (برای ویلن) یا «دنیای کوچک» بارتوک تعلیم می بینند و پرورش می یابند. شش جلد کتاب آموزشی بیان Mikrokosmos، مشکلات مبتدی ترین نوازندگان تا بزرگترین اصبوبگان را پاسخگو است. سه تا چهار کنسرتو از آخرین کارهای او امروزه در اغلب رپرتوارهای جهانی امن ترین جایگاه را دارند. موسیقی برای زهی ها، کوبه ای ها و چلستای بارتوک، یک کتاب کلاسیک و جا افتاده است.

مجموعه ی عظیم فولک سانگ (آواز های محلی) مجار و اسلواک بنام «کودکان در پشت پیانو» (از ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹) بگونه ی حیرت انگیزی متعالی و کامل است. این اثر از لحاظ بافت و ریتم بگونه ی نابی می درخشد، در این اثر بارتوک به جای آنکه به غنی تر کردن خط نغمگی پردازد جزئیات نغمه را با فنون خاص خودش در همراهی ریتم های بسیار ظریف و صدا پروری های دل انگیز تقویت کرده است و خط بسیار کندی از کنتربان با کل اثر در نهایت آرامی حرکت می کند.

الگرو باربارو (۱۹۱۱)؛ از معروف ترین قطعات پیانویی و بهترین نمونه شاخص سبک بارتوک و از اصیل ترین آثار اولیه او است که در مجموعه «دنیای کوچک» نیامده است. سوزی این اثر از موسیقی عامیانه گرفته نشده است ولی از لحاظ ریتم و جمله پردازی به آن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

موسیقی معاصر

# بلابارتوک،

# آهنگسازی چند ملیتی

کوارتت‌های زهی بارتوک؛ از لحاظ پیچیدگی شکل، تنوع حالت و نغمه، بسط موتیفی و نیروی حیاتی کنترپوانی تا سال ۱۹۲۰ از تمامی آثار و ساخته‌های موسیقایی این آهنگساز برتر بودند.

بارتوک دوباله بنامهای؛ شاهزاده‌ی چویی (۱۹۱۶) و ماندارین معجزه‌گر (۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹) تصنیف کرد که در سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۳۱ مورد تجدید نظر قرار گرفتند، که درخصوص باله‌ی دوم می‌توان گفت از شکل مرتب و آراسته‌ای برخوردار است و به‌عنوان یک اثر هنری فوق‌العاده، هیجان‌انگیز است و در بزرگترین رپرتوارهای جهانی جایگاه ویژه‌ای دارد.

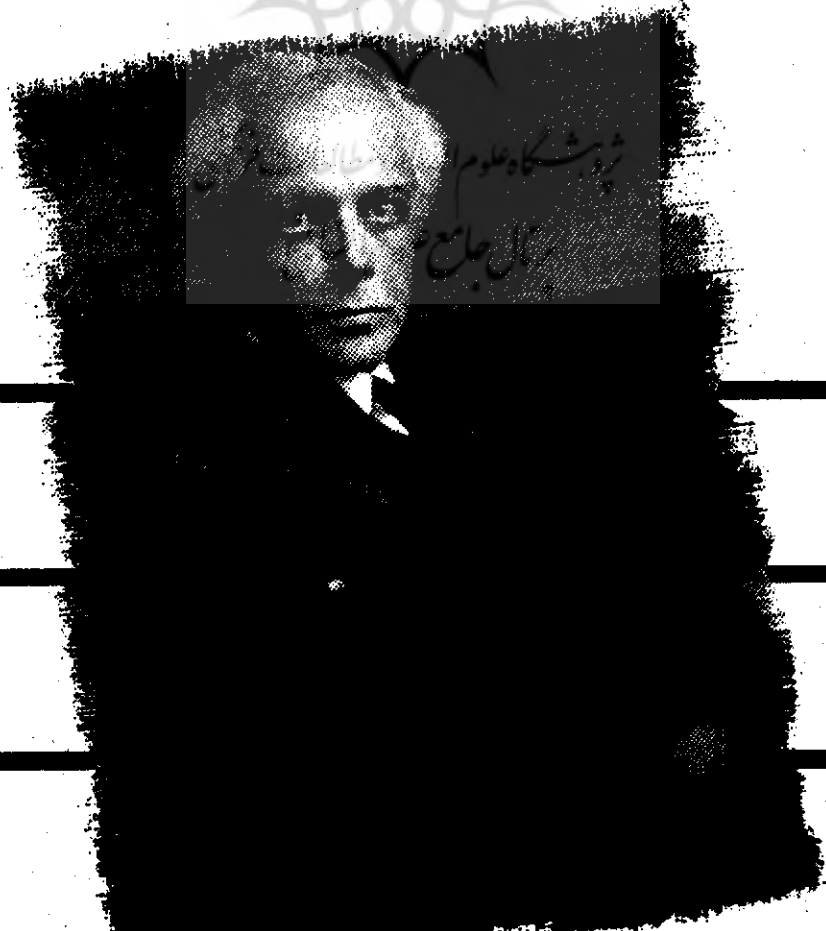
دو نمونه از غنی‌ترین آثار بارتوک برای پیانوی سلو: اتودها، اپوس ۱۸ (۱۹۱۸) و بداهه‌پردازی بر روی آوازهای محلی مجار، اپوس ۲۰ (۱۹۲۰) می‌باشد، در مجموعه‌ی اول سه اتود وجود دارد که همگی نسبتاً بلند هستند و کمتر مسائل بسیار دشوار نوازندگی پیانو مطرح شده و این آثار فرم محکم و استواری دارند و بارتوک همانند شوئنبرگ در این اثر از گام‌های دیاتونیک احتراز جسته است و در آن از اکتاوه‌های متعدد، پاساژهای هم‌صدا، سکانس‌های دقیق و اوستیناتوهای طولانی و فراوانی نیز استفاده کرده در حالیکه این عناصر در موسیقی شوئنبرگ

شبیه است، نغمه به گونه‌ای اجرا شده است که گام ناب و تماماً دیاتونیک آنرا نشان دهد و در شروع اثر اشاراتی نیز به گام پنچ درجه‌ای شده است.

بارتوک در سال ۱۹۰۰ میلادی با «زولتان کودای» آشنا شد. این دو جوان به جمع‌آوری و ثبت و نشر آوازهای محلی مجار پرداختند. سیل نهضت ناسیونالیستی که در آن دوران فرهنگ و سیاست مجارستان را در بر گرفته بود؛ بارتوک و کودای را نیز با خود شست و برد.

بارتوک از آن پس همه‌جا با لباس ملی مجارها ظاهر می‌شد و حتی موقعی که روی صحنه می‌آمد نیز همین لباس را بر تن می‌کرد. او و کودای در سال ۱۹۱۱ ضمن تلاش بی‌ثمری کوشیدند انجمن جدید موسیقی مجارستان را سازمان دهند، هدف ایشان از تشکیل این انجمن برپا کردن نمایشهای ارکستری از موسیقی مجارستان بود. و وقتی این تلاش با شکست روبه‌رو شد، بارتوک صرفاً به کار تدریس و نوشتن مقالات علمی درباره‌ی موسیقی پرداخت، اما رفته رفته اعتبار کارهای بارتوک در انگلستان، فرانسه، آلمان و اتریش بالا گرفت و در این کشورها برای آثار این هنرمند ارزشی خیلی بیش‌تر از آنچه در میهن اصلی‌اش داشت، قائل شدند.

قطعات کوتاه پیانویی او در میان بزرگترین پیش‌تازان موسیقی نوین جایگاه بسیار معتبری برای وی پدید آورد.



وجود ندارد، اتودها هیچگونه اشاره‌ی مستقیمی به موسیقی عامیانه ندارد و هارمونی اصلی به تکوین فرم کمک می‌کند.

بارتوک در کارهایش ثابت نمود که می‌تواند در یک تصنیف، نغمه‌های دیاتونیک، نامطبوع‌ها و هارمونی کروماتیک را باهم به کار ببرد.

بارتوک در هشت بداهه پردازی، موسیقی عمیق عامیانه را در ارتباط با اکوردهای نامطبوع قرار می‌دهد، این آثار نقطه‌ی اوج سبک بارتوک به شمار می‌روند.

نغمه‌ها در این آثار عناصری هستند که بگونه‌ی بسیار آزاد بسط و گسترش می‌یابند و نغمه‌های ساده در کنار هارمونی پیچیده قرار گرفته‌اند.

هفتمین بداهه، بعنوان ادای احترام بارتوک به «دبوسی» طرح ریزی شده است. این اثر با مراتب احترام آهنگسازانی چون «موریس راول، اریک ساتی، دوفایا، استراوینسکی» و دیگران در نشریه «روو موزیکال» منتشر شد.

دو سونات برای ویلن (۱۹۲۱ و ۱۹۲۲)، از

دشوارترین و بهترین آثار بارتوک محسوب می‌شوند. این

دو اثر از لحاظ وسعت، شبیه کوارتت‌ها و از لحاظ سبک

به بداهه‌ها نزدیکند و این آثار فوق برای نخستین بار در

اولین و دومین فستیوال سالانه بین‌المللی موسیقی معاصر در سالزبورگ اجرا شدند. بارتوک سعی و کوشش بسیار

نمود تا انجمن بین‌المللی موسیقی معاصر را بنیان بگذارند. این انجمن وظیفه داشت برای توسعه موسیقی

نوین هر چه بیشتر اهتمام ورزد و نخستین اجراهای بسیاری

از تصنیفات بارتوک در فستیوال‌های همین انجمن صورت گرفته است.

دانس سوئیت برای ارکستر (۱۹۲۳)؛ این اثر

به مناسبت جشن همبستگی دوشهر بودا و پست ساخته

شده است، موسیقی سرشار از نغمه‌های بسیار شاد و

دل‌انگیز است، خود بارتوک خاطر نشان می‌کند که

ریشه‌ی نغمه‌های این اثر به ترتیب عربی، رومانیایی و مجار است.

هنر بارتوک به فرهنگ چندین ملیتی موسیقی جهان

خدمت بزرگی می‌کند. این موسیقی امکان می‌دهد فاصله‌ی میان کهنه و نواز بین برود، اختلاف آماتور و حرفه‌ای، رهبر ارکستر و نوازنده‌ی معمولی، آهنگسازان و موسیقی‌شناسان فاضل، بین هنر و علوم و سرانجام میان این ملت یا آن ملت، تفاوت بین این یا آن مذهب از میان برود. تا آنجا که در عالم موسیقی هیچگونه تفاوتی بین هیچ چیز باقی نماند.

وی هنگامی که بر اثر بیماری «لئوسمی» در حال مرگ بود به پزشک خود گفت؛ من در حالی می‌روم که مطالب و سخنان زیادی برای گفتن دارم.

اشراق بلا بارتوک بر اصول علم استاتیک (زیبایی‌شناسی در موسیقی) و پیوند آن با سنت عمیق موسیقی فولکلور و محلی و خلق فرم‌هایی که در آن از «خطوط طلایی» به روشنی و وضوح استفاده گردیده است، چنان هیجان‌دل‌انگیزی در روح شنونده‌ی فاضل موسیقی ایجاد می‌نماید که از درک آن می‌توان به خالق این مخلوق سجده نمود.

بلا بارتوک بزرگترین آرزویش را اینگونه بیان کرده

بود: از نخستین روزهایی که آهنگسازی را آغاز کردم،

برترین اندیشه رهبری‌کننده‌ی من پیوسته رسیدن به برادری

ملتها بوده، برادری‌ای که علاوه بر همه‌ی جنگها و همه‌ی کشمکشها همچنان پایدار بماند...

منابع

۱- دوکاننده، رولان، فرهنگ بزرگ موسیقی، ترجمه و گردآوری شهره شمعمانی، انتشارات گلشن، چاپ دوم، مرداد ۱۳۷۳.

۲- کوسوت، قهرمان ملی انقلاب مجارستان، ۱۸۴۸ میلادی.

۳- آستین، ویلیام، تاریخ جامع موسیقی، موسیقی در قرن بیستم، ترجمه بهزاد باشی، انتشارات آگاه، پائیز ۱۳۷۳.

4- The thames and hudson  
Dictionary of 20 th century music (1998paul gliffiths)  
music listening, by charlesr.

5- Hoffer, university of florida michael raeburn and alienkendall heritage of music.

گنجینه وسیعی از  
اصوات مورد غفلت قرار گرفته است  
گفت و گو با محمدرضا شجریان  
(استاد آواز ایران)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی